

مسندهای نوشته شده برای عبدالعظیم حسنی (ره)

◀ محمدرضا جدیدی نژاد

ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع)، معروف به عبدالعظیم حسنی از راویان جلیل القدر و با منزلتی است که مفتخر به شاگردی امام جواد (محمد بن علی بن موسی) و فرزندش امام هادی (ع) است.^۱

نقش را ایفا می کند و می توان این شیوه را یکی از راههای شناخت احادیث مجعولی که به ناروا به برخی از راویان عظیم المنزله نسبت داده شده، نیز دانست؛ زیرا با این شیوه از طریق مقایسه روایات راوی با یکدیگر می توان پی برد که وی در چه حال و هوایی به سر

از عبدالعظیم روایات قابل توجه ای در زمینه های متعدد چون: توحید، امامت و فرائض اسلام نقل شده است که از نگاه مجموعی به آنها شخصیت وی بهتر شناخته می شود. در مورد سایر ناقلان حدیث نیز نگاه مجموعی همین

۱. در نسخه های مطبوع از رجال الطوسی (ص ۳۸۷، ش ۵۷۰۶ و ص ۴۱۰، ش ۵۸۷۵) وی از اصحاب امام هادی و عسکری (ع) دانسته شده، برای اطلاع بیشتر از تعداد امامانی که آن بزرگوار توفیق مصاحبت با آنان را داشته رک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۷-۴۸.



می برده و اصول عقاید وی چه بوده و تا چه حد ملتزم به رعایت آداب و انجام فرایض بوده است. بدیهی است که در صورت مذکور، چنانچه روایتی در بین روایات نقل شده از وی وجود داشته باشد که با دیگر روایات وی هم خوان نبوده و متناقض باشد، گمان به جعل روایت مزبور و مبرا بودن راوی از نسبیتی که به وی داده شده تقویت می گردد.

عبدالعظیم از روایاتی که احمد بن مهران بدو نسبت داده تقویت می شود. به منظور سهولت نگاه مجموعی، برخی از فضیلات معاصر اقدام به گردآوری روایات برخی از ناقلان حدیث در مجموعه هایی مجزا با نام «مُسْنَد» کرده اند، مانند: مسند زارة و مسند محمد بن قیس البجلي اثر بشیر محمدی مازندرانی.^۴

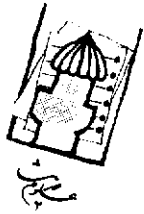
برای مثال راوی برخی از روایات در تحریف قرآن کریم (با صرف نظر از امکان تاویل آنها) احمد بن مهران از حضرت عبدالعظیم است.^۲ ابن مهران از مشایخ کلینی است و در کتاب الکافی تعداد قابل توجهی از روایات با واسطه از وی نقل شده است و مرحوم کلینی نیز در برخی موارد بر او ترحم کرده است (بعد از ذکر نام وی گفته است: «رحمه الله»)، لیکن ابن غضایری نامبرده را تضعیف کرده است و سایر علمای دانش رجال نیز نامی از وی نبرده اند.^۳ در این صورت گمان به صحت تضعیف ابن غضائری و مبرا بودن حضرت

مسند نویسی در عصر اصحاب ائمه (ع) و قدما اغلب در پهنه ای وسیع تر و برای تحقق هدفی، غیر از آنچه ذکر شد، صورت پذیرفته است

۲. ر.ک: مسند حضرت عبدالعظیم حسنی، ص ۱۴۲، ش ۲۲-۲۴.

۳. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۴۶.

۴. ناگفته نماند که تهیه چنین مجموعه های حدیثی به گردآوری روایات راوی خاصی ختم نشده است و روایات برخی از ستارگان فروزان آسمان ولایت نیز به طور مجزا گردآوری و فراهم آمده است، مانند: مسند الإمام الکاظم (ع)، مسند الإمام الرضا (ع)، مسند الأمام الجواد (ع) و مسند الإمام المعجبتی، از آثار استاد عطار دی.



ملاحظه و مقابله کتابهای فروع (مسانید و جوامع حدیثی) با کتابهای اصول (کتاب زراره، محمد بن مسلم ...) محقق نمی شده است. بدیهی است که این مقابله در مسانید آسان و در جوامع دشوار است.

از مسندهایی که قدما به این شیوه نگاشته اند، می توان به مسندی اشاره نمود که احمد بن حسین بن عبدالملک ابو جعفر اودی گرد آورده است، وی کتاب المشیخة حسن بن محبوب را - که تا اندازه ای به حسب ابواب فقهی مرتب بوده است - به حسب نام راویان مرتب نمود.^۷

۵. ر.ک: روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۹.

۶. ر.ک: روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۲۳۹ و ۲۳۳.

۷. ر.ک: الفهرست، ص ۲۳، ش ۶۱؛ رجال النجاشی، ص ۸۰، ش ۱۹۳؛ روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۲۹.

۸. متاسفانه برخی تصور کرده اند که کتاب المشیخة ابن محبوب - آن گونه که از نامش پیداست - کتابی رجالی است، در حالی که از نقل احادیثی فقهی و غیر فقهی از این کتاب در مستطرفات السرائر (ر.ک: ص ۷۷) بطلان این تصور آشکار می گردد.

توضیح آنکه در عصر قدما اولاً به جای گردآوری روایات یکی از ناقلان حدیث، روایات تمام اصحاب یک یا چند امام معصوم گردآوری می شده است؛ بدین صورت که مثلاً ابتدا روایات زراره در موضوعات متعدد یک جا نقل می شده و سپس روایات محمد بن مسلم و به همین منوال تا آخر، و اساساً غیر از این همه نمی توانسته باشد؛ زیرا اکثر این راویان، خود، صاحب کتاب بوده اند و جمع دوباره روایات یک تن از آنان جز با دسته بندی موضوعی قابل تصور نیست و انجام چنین کاری هم از ناحیه قدما به اثبات نرسیده است.

ثانیاً هدف و منظور قدما از

نگارشهای مسند، صرف نظر از مجموعه نگاری، آسان نمودن مقابله این مجموعه ها با اصل کتابهایی بوده است که خود راویان نگاشته بوده اند؛^۵ زیرا شیوه معمول قدما در تصحیح اخبار، تصحیح کتابها بوده است، نه ملاحظه یکایک رجال سند.^۶ این امر نیز جز با



خلاصه گفتار آنکه، فایده مسندنویسی بر هیچ یک از اهل فن پوشیده نیست.

از جمله روایانی که در عصر حاضر برای وی مسند نگاشته شده است، حضرت عبدالعظیم است که تاکنون سه تن از اساتید و فضلالی معاصر بدان همت گمارده‌ند.^۹ پیش‌تر دو مسند منتشر شده و مسند سومی که برای آن بزرگوار فراهم آمده‌ان شاء الله هم زمان با برگزاری کنگره بزرگداشت آن جناب انتشار می‌یابد و از آن بهره‌مند خواهیم شد.

سه مسند نگاشته شده برای حضرت عبدالعظیم با رعایت ترتیب زمانی تألیف آنها به شرح ذیل است:

۱. عبدالعظیم الحسنی حیاته و مسنده (= زندگانی حضرت عبدالعظیم و روایات او)، استاد گران قدر عزیزالله عطاردی قوچانی، انتشار یافته به سال ۱۳۴۲ ش.

مباحث کتاب

این کتاب شامل یک مقدمه و پنج بخش

است که به غیر از روایات حضرت عبدالعظیم در بخش سوم، بقیه آن به زبان فارسی نوشته شده است. در مقدمه، از تاریخچه تألیفات حدیثی شیعه، فضیلت نقل حدیث، کتابت حدیث، اهمیت دانش رجال و مراکز علمی و حدیثی شیعه در چند قرن اولیه اسلام سخن گفته شده است.

بخش اول کتاب با عنوان «زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی» مشتمل بر مباحثی با این عناوین است: «فضایل عبدالعظیم از زبان ائمه»، «کلمات علما درباره او»، «حضرت عبدالعظیم چند تن از ائمه را درک نموده؟»، «موقعیت عبدالعظیم در عصر خود»، «چرا عبدالعظیم مورد علاقه واقع شده؟»، «چرا عبدالعظیم از خلیفه زمان خود فراری بود؟»، «فضیلت زیارت عبدالعظیم»، «تألیفات عبدالعظیم»، «تولد و وفات

۹. البته از قدما هم مرحوم صدوق برای آن بزرگوار مسند نگاشته است، ولی متأسفانه نسخه‌ای از آن در دست نیست (ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۹۲، ش ۱۰۴۹).



شده است: «اخبار حضرت عبدالعظیم از کافی» و صفحه ۱۲۲ سرصفحه نوشته شده است «اخبار حضرت عبدالعظیم از محاسن برقی» ...

بخش چهارم کتاب به ذکر شرح حال اساتید روایی آن بزرگوار اختصاص یافته است، که تعداد عدّه مزبور، به حسب تتبع مؤلف، ۲۵ نفر هستند.

بخش پنجم کتاب نیز به شرح حال روایانی که از آن جناب بی واسطه نقل روایت کرده اند، اختصاص یافته است، و تعداد ایشان، به حسب تتبع مؤلف، به ۱۵ نفر می رسد.

در پایان کتاب نیز چندین فهرست فنی (فهرست مطالب، اعلام، اماکن و مآخذ) قرار گرفته است.

چند تذکر

این کتاب، با توجه به زمان تألیف و نبود رایانه و عدم تحقیق برخی از منابع حدیثی، کاری در خور ستایش و تحسین است. بنابراین، برخی از نقایصی که در ذیل بدانها اشاره خواهد رفت، از ارزش آن

عبدالعظیم» و «اولاد عبدالعظیم».

بخش دوم کتاب با عنوان «آبا و اجداد حضرت عبدالعظیم» به معرفی یک به یک اجداد آن بزرگوار (یعنی: زید بن الحسن، حسن بن زید و علی بن حسن بن زید) و پدر ایشان (عبدالله بن علی) اختصاص یافته است.

بخش سوم کتاب با عنوان «اخبار و روایات حضرت عبدالعظیم»، همان مسند عبدالعظیم بوده و چنان که پیداست، به نقل اخباری اختصاص یافته است که آن بزرگوار آنها را بی واسطه با واسطه به یکی از معصومان (ع) نسبت داده است.

مؤلف در این بخش، یکایک کتابهای حدیثی قدما را تفحص نموده، ۷۹ حدیث از آنها استخراج و به ترجمه مزین نموده است. در این بخش، احادیث استخراج شده به لحاظ محتوا دسته بندی نشده است و تنها تفکیک صورت پذیرفته آن است که در سر صفحه ها احادیث به دست آمده از هر کتاب به صورت مجزا نوشته شده است. برای مثال، از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۲۲ سر هر صفحه نوشته



نمی‌کاهد. ایرادهای مزبور عبارت‌اند از:
الف. گفته شده که مؤلف در بخش
سوم کتاب، ۷۹ روایت از روایات
حضرت عبدالعظیم را از منابع حدیثی
استخراج نموده است، حال آنکه به
حسب تتبع به عمل آمده، تعداد روایات
آن حضرت به ۱۰۲ روایت بالغ می‌گردد
و چه بسا با دقت بیشتر، بازهم روایاتی
به دست آید. نکته قابل ذکر، آنکه

مؤلف در ابتدای این بخش ادعای
استقصا نکرده و از علما خواسته که اگر
به روایت دیگر دست یافتند، ایشان را
برای تکمیل این بخش در چاپهای بعدی
کتاب یاری رسانند.

ب. ترجمه روایات به شیوه دوره
حاضر دقیق و لفظ به لفظ نبوده، بلکه از
غلط نیز عاری نیست؛ اما به هر حال،
مانند بسیاری از ترجمه‌های دورانه‌های
گذشته برای عموم قابل استفاده است.

ج. در بخش چهارم و پنجم کتاب -
که به شرح حال اساتید و شاگردان
حضرت عبدالعظیم اختصاص یافته - و
نیز سایر بخشهای فارسی کتاب،

علی‌رغم استفاده بجای و فراوان از
کتابهای رجال و حدیثی و نقل قول از
این منابع، نشانی آنها ذکر نشده است.

۲. الشریف المعتمد شاه
عبدالعظیم الحسنی حیاته و
مسنده، نوشته عبدالزهره عثمان
محمد، منتشر شده به سال ۱۴۲۲ ق.

مباحث کتاب

کتاب به زبان عربی و در دو بخش کلی
تألیف شده است: اول شرح حال و
شخصیت حضرت عبدالعظیم، دوم نقل
روایات مسند آن بزرگوار.

بخش اول کتاب مشتمل بر مباحثی با
این عناوین است: «الهوية الشخصية و
شیء من السيرة»، «مکانته العلمیة و
موقعه الدینی»، «جلالته و شخصیته
الدینیة»، «الوضع الثقافی الذی عاشه
الشریف الحسنی»، «طبیعة الظرف
السیاسی الذی عاشه الشریف الحسنی»
و «العلویون فی عهد المتوکل».

مؤلف در این بخش، از مطالب



۵. فرائض الإسلام، ۶. الأحكام،
۷. الأخلاق، ۸. وصايا النعمة، ۹. من
تفسير الأئمة، ۱۰. من الحكمة.

وی در این بخش از منابع حدیثی
متقدم و متأخر ۱۷۹ حدیث استخراج
کرده است!^{۱۱}

از مزایای کتاب در این بخش
پاورقی‌ها مختصر مؤلف در تأویل
روایاتی است که ظاهر آنها بر تحریف
قرآن کریم دلالت دارد.^{۱۲}

چند تذکر

این کتاب نیز، علی‌رغم امتیازهای یاد
شده، ایرادها و کمبودهایی دارد که
بدانها اشاره خواهد رفت:

الف. گفته شد که آنچه تاکنون از
روایتهای عبدالعظیم به دست آمده ۱۰۲
روایت است؛ لیکن در این کتاب ۱۷۹
روایت نقل شده است که ۷۷ روایت آن

۱۰. الشریف المعتمد شاه عبدالعظیم الحسنی
حیاته و مسنده، ص ۱۱.

۱۱. همان، ص ۱۸.

۱۲. الشریف المعتمد شاه عبدالعظیم الحسنی
حیاته و مسنده، ص ۸۶-۸۸ ...

اندکی که علمای دانش رجال در شرح
حال حضرت عبدالعظیم بیان داشته‌اند،
با انضمام چند روایت از روایات خود آن
بزرگوار استفاده خوبی برده است، و گاه
یک عبارت و یا یک روایت را از چند زاویه
مورد توجه قرار داده است. برای نمونه
حدیثی که در آن، امام هادی (ع) ابو
حماد رازی را برای فراگیری مسائل دینی
به حضرت عبدالعظیم ارجاع می‌دهد،
بار اول در ذیل عنوان «الهوية الشخصية
و شيء من السيرة» نقل و مورد استفاده
قرار می‌گیرد^{۱۰} و بار دوم در ذیل عنوان
«مکانته العلمیة و موقعه الدینی» مورد
اشاره و توجه قرار می‌گیرد.^{۱۱}
علاوه بر این، سه عنوان اخیر این
بخش و مطالب ذکر شده در آنها بسیار
بجا و مناسب است؛ زیرا برای شناخت
بهتر هر فردی باید اوضاع سیاسی و
اجتماعی زمان وی نیز مورد توجه قرار
گیرد. در ابتدا بخش دوم، روایات
حضرت عبدالعظیم را به ده باب تقسیم
می‌کند: ۱. التوحید، ۲. النبوة،
۳. الإمامة، ۴. القائم من آل محمد (ع)،



تکرار قسمتی از روایتهای مفصل آن بزرگوار است. سبب وقوع چنین تکرارهایی عدم توجه لازم به تقطیع روایتهای مفصل در منابع حدیثی متأخر و مقایسه نکردن احادیث مختصر نقل شده در این منابع با احادیث مفصل است.

برای نمونه فرازهایی از حدیث بلندی که به شماره ۲۷ در صفحات ۷۳-۷۴ از الامالی و العیون مرحوم صدوق استخراج و نقل شده، در صفحات ۶۴ به شماره ۳، صفحه ۷۱ به شماره ۲۰، صفحه ۷۵ به شماره ۲۹ و صفحه ۷۶ به شماره ۳۳ از بحار الانوار استخراج و مجدداً نقل شده است.

عجیب آنکه فراز نقل شده در صفحه ۷۱ به شماره ۲۰، در صفحه ۱۳۶-۱۳۷ به شماره ۱ مجدداً نقل شده است.

این در حالی است که مؤلف پیش از نقل روایات حضرت عبدالعظیم متعهد شده است تا در حدّ توان، از وقوع چنین

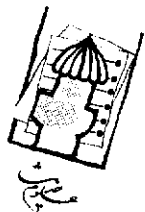
تکرارهایی جلوگیری کند!^{۱۳}

ب. دانش - به شدت متأسف، در

ابتدای بخش دوم کتاب، روایات را به ده باب تقسیم کرده است، ولی هنگامی که به یک به یک عنوانهای مؤلف در این بخش مراجعه کنیم، آنها را بیشتر و متفاوت با عناوین دسته بندی اولیه می یابیم. عنوانهای ایشان عبارت اند از: ۱. صفات الله عزوجل، ۲. احادیث الاحکام، ۳. احادیث النوادر، ۴. من تفسیر الائمه، ۵. فرائض الإسلام، ۶. القائم من آل محمد (ص)، ۷. وصایا الائمه، ۸. الأخلاق، ۹. کبائر الذنوب، ۱۰. زیارة الائمه، ۱۱. من سیرة الانبیاء، ۱۲. حب آل محمد (ص)، ۱۳. من صور العذاب، ۱۴. الصلاة في وقتها، ۱۵. ضرورة التدبیر، ۱۶. ليلة القدر، ۱۷. التوکل، ۱۸. شکر النعمة، ۱۹. الدعاء، ۲۰. مکانة الحسين (ع)، ۲۱. خصائص الزهراء (س)، ۲۲. الجبر و التفویض، ۲۳. حب الله و حب الرسول، ۲۴. حوار الائمة مع الخصم، ۲۵. طریق الهدی، ۲۶. من الحكمة.

۱۳. الشریف المعتمد شاه عبدالعظیم الحسنی

حیاته و مسنده، ص ۵۱-۵۲.



علاوه بر این، عمل مزبور موجب بروز ایرادهای فراوانی نیز شده است از جمله آنکه سندهای روایات برگرفته از بحارالانوار با تلخیص مجلسی (ره) به کتاب راه یافته است. برای مثال اگر در مصدر اصلی آمده باشد: «عن علی بن احمد بن عمران الدقاق»، مجلسی در بحارالانوار گفته است: «عن الدقاق».

شاید مؤلف به مقدمه کتاب شریف بحارالانوار در توضیح تلخیص اسناد مراجعه نکرده است و یا این مسئله را کم اهمیت دانسته است.

۳. مسند حضرت عبدالعظیم

حسنی، عزیزالله عطاردی - علی رضا هزار. این کتاب همان کتاب اوّل از استاد عطاردی است که با رفع برخی نقایص و تغییراتی در شکل آن به زودی در شمار آثار کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم انتشار می یابد.

مباحث کتاب

کتاب به زبان فارسی و در برگیرنده یک مقدمه مفصل و روایات حضرت

قابل توجه آنکه احادیث ذکر شده با عنوان نوادر با ۴۳ روایت بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است. بسیاری از عناوین جدید نیز در ذیل آنها فقط یک حدیث نقل شده است که به راحتی قابل درج در ذیل سایر عناوین و یا عنوانهای عام و بهتر دیگری است و بی جهت، تکثیر عنوان شده است.

ج. بسیاری از احادیث غیر تکراری به جای آنکه از منابع حدیثی اولیه استخراج و به آنها ارجاع داده شود، از بحارالانوار و وسائل الشیعة استخراج و فقط به آنها ارجاع داده شده است. برای

نمونه می توان به روایت شماره ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ... در صفحات ۸۶ - ۸۸ (من تفسیر الأئمة) و ... اشاره نمود.

این عمل اگرچه ترك اولویت است، اما با لحاظ این نکته که این کتاب در سال گذشته منتشر شده و در سالهای اخیر استفاده عموم از رایانه ممکن و همه کتابهای حدیثی متقدم تحقیق شده و در اختیار عموم است، قابل سرزنش است.



عبدالعظیم است .

موضوعی نشده اند، لیکن در پایان کتاب، چندین فهرست فنی قرار داده شده که از جمله آنها فهرست موضوعات کلی روایات است .

عناوین کلی و مهم مباحث مقدمه کتاب عبارت اند از: ۱ . سخنی در مسند و مسند نویسی، ۲ . زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی، ۳ . مقام ایشان نزد ائمه اطهار(ع)، ۴ . نظر دانشمندان شیعی درباره ایشان، ۵ . مشایخ و راویان حضرت عبدالعظیم .

مقایسه و تذکر

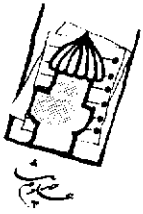
از آنجا که این کتاب، همان کتاب اوّل استاد عطاردی است که با تغییراتی به همت فاضل گرامی آقای هزار منتشر می شود، طبیعی است که خوانندگان، انتظار توضیحی در رابطه با میزان رفع نقایص در این چاپ داشته باشند . از این رو، ضمن تذکرهاى خود، به نقایص برطرف شده نیز اشاره خواهیم داشت :

الف . پیش تر گفته شد که استاد عطاردی در چاپ اوّل کتاب از ۱۰۲ روایت به دست آمده از حضرت عبدالعظیم، ۷۹ روایت را استخراج نموده است؛ اما در چاپ دوم این کتاب، با در نظر نگرفتن روایات تقطیع شده و تکراری - که جناب آقای هزار خود در پایان مقدمه نیز به آنها

در پایان مقدمه، پیش از نقل روایات حضرت عبدالعظیم به عنوان تذکر گفته شده: «در پاره ای موارد چند روایت، مشابه هم بودند، ولی به علت اختلاف در سند، دو روایت جدا تلقی و شماره گذاری شدند . روایت بلند مناجات موسی با خداوند هم که در بحار الانوار تقطیع شده بود، از آنجا که اختلافاتی در متن آن دیده می شد، جداگانه آورده شدند» .^{۱۴}

بعد از مقدمه اصل کتاب - که نقل روایات حضرت عبدالعظیم باشد - آغاز می گردد و با نقل یکصد و هجده روایت از منابع حدیثی متقدم و متأخر و تزیین آنها به ترجمه پایان می یابد .

۱۴ . مسند حضرت عبدالعظیم حسنی، ص



با این تفاوت که در کتاب ایشان بخش اساتید مجزا از بخش شاگردان و در کتاب فعلی این دو بخش یکی شده و به جای آن نام اساتید و شاگردان برای آسان‌یابی بر اساس حروف الفبا مرتب شده است. به نظر می‌رسد دلیل عدم تفکیک بخش اساتید از بخش شاگردان و ادغام این دو در یکدیگر، کمی تعداد عدهٔ مزبور باشد، و اگر نه ترتیب الفبایی منافاتی با تفکیک مذکور ندارد.

بجا بود که در مقدمه کتاب، به برگرفته‌ها از کتاب استاد عطاردی اشاره‌ای می‌شد.

ج. ایراد سومی که به مسند چاپ شده در بیروت الشریف المعتمد شاه عبدالعظیم الحسنی حیاته و مسنده گرفته شد، در این کتاب نیز وجود دارد، اما خفیف‌تر از کتاب مذکور.

۱۵. ر.ك: عیون اخبارالرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۳، ح ۳ (باب: فیما جاء عن الرضا(ع) من الاخبار المجموعه).

۱۶. ر.ك: بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۵، ح ۱۷ به نقل از قصص الانبیاء بارمز «ص».

۱۷. ر.ك: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۴؛ بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۸۳ به نقل از آن.

اشاره داشته‌اند - ۹۹ روایت استخراج شده است.

سه روایت استخراج نشده عبارت‌اند از روایتی که به شمارهٔ ۵۲ در چاپ اول همین کتاب ذکر شده است،^{۱۵} روایتی که به شمارهٔ ۱ در صفحه ۱۲۷ در مسند چاپ شده در بیروت آمده^{۱۶} و باز روایتی دیگر از همین مسند که به شمارهٔ ۱۴ در صفحه ۸۷ آمده است.^{۱۷}

ب. به خاطر تعجیل و محذوراتی ترجمهٔ روایات، برگرفتهٔ همان ترجمه‌ای است که در کتاب استاد عطاردی صورت پذیرفته و کار تازه‌ای صورت نگرفته است. بنابراین، نقایصی که پیش‌تر برای آن ترجمه یادآور شد، در این جا نیز قابل تکرار است؛ اما همان جا هم گفته شد که ترجمه‌هایی از این دست برای عموم قابل استفاده است.

نیز در مقدمه کتاب در ذیل عنوان «مشایخ و راویان حضرت عبدالعظیم» مطالب ذکر شده در شرح حال اساتید و شاگردان آن بزرگوار همان مطالبی است که در کتاب استاد عطاردی آمده است،



سخن آخر

کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم است - برخی از فضیلتی محترم کمبودها و ایرادهای آن را با کمیته علمی در میان گذاشته اند^{۱۸} و انتشار کتاب با راینیهای لازم صورت پذیرفته است و عذر کمیته علمی کنگره در عدم ارائه کتابی در خور شأن حضرت عبدالعظیم، فرصت کم برای ارائه کاری کامل تر و تراکم سایر آثار علمی ارائه شده است.

صاحبان اندیشه به خوبی می دانند که هیچ کتابی خالی از نقص و اشتباه نیست و اگر بنا باشد کتابها در بوته نقد گذارده شوند، همه آنها قابل نقد هستند و اگر قرار باشد تمام ایرادهای کتابی که مورد نقد قرار گرفته ذکر شود، استقبال پژوهشگران از تالیف کتاب کاهش می یابد.

نگارنده، ضمن رعایت نکته فوق،

در جمع بندی نهایی معتقد است که اگرچه هیچ یک از سه کتاب معرفی شده در خور شأن حضرت عبدالعظیم و مطابق با شیوه پژوهشهای نوین و کارآمد دوره حاضر نیستند، لیکن خالی از فایده نبوده و کتاب سوم به دلیل تکرار کمتر روایات (در مقایسه با کتاب دوم) و نقل اکثر قریب به اتفاق روایات به دست آمده از حضرت عبدالعظیم، در مجموع قابل استفاده تر است.

در خاتمه باید افزود که پیش از انتشار کتاب فوق - که از مجموعه آثار

۱۸. عدم حل تفصیلی ابهامات و مشکلات برخی از احادیث را نمی توان از معایب کتاب دانست؛ زیرا کندو کاوهای حدیثی و رجالی کتابی مستقل می طلبد و وظیفه مجموعه های حدیثی تسهیل این امر می باشد. علاوه بر این قرار نیست که تمام دانسته ها در یک کتاب قرار گیرد به خصوص آن که در کنار این کتاب مقالات متعددی این وظیفه را به عهده گرفته اند و إن شاء الله بزودی منتشر و مورد استفاده قرار خواهند گرفت، لیکن حل ابهامات مزبور در حد اندک در پاورقیها کاری مناسب می باشد به خصوص در مورد این کتاب که ظاهر برخی از روایات ضعیف آن تحریف قرآن کریم می باشد.